

آنچه در راستای
سیاست عدالت
اقتصادی اهمیت
دارد، ایجاد دستیابی
به «رشد متوازن»
است که این امر در
یک نظام عادلانه
اقتصادی صرفاً از
طریق ایجاد توازن
نسبی بین «الگوی
مصرف» و «نظام
تولید» و از طریق
«سازوکار مبادله»
امکان پذیر است.

اکنون به چند معیار اساسی که در نسبت و پویایی یک نظام مؤثرند، اشاره می‌شود:

۱. **زمان و مکان:** دو عنصر زمان و مکان از ارکان و عناصر ضروری در تحقق یک پدیده عینی و خارجی است و اصولاً تصور هر رفتار واقعی بدون توجه به آن‌ها امکان پذیر نیست و علت اصلی آن نیز در مخلوقیت و محدودیت پدیده‌های رفتاری است. توجه به عناصر زمان و مکان پیدایش پدیده‌ها موجب تغییر و تحول در روش‌ها و عملکردها می‌شود که این امر مقدمه پیشرفت و تکامل خواهد بود.

۲. **اهداف و وسایل:** در یک نظام رفتاری و در هر مقطعی از رفتارها و پدیده‌های عینی، همواره دو حیثیت «هدف و وسیله» معتبر است؛ یعنی گاهی نگاه به یک پدیده رفتاری از دیدگاه «هدف» و تحقق مقطعی آن است و گاهی نگاه ما به همان پدیده از حیث «ابزاری» و «وسيله» بدون در نظر گرفتن آن، نسبت به اهداف بالاتر و والاتر است؛ به عبارت دیگر، گاهی تحلیل و تفسیر ما نسبت به رفتار یک پدیده، از جنبه «هدفی» آن نسبت به «ابزارها و مقدمات پیشین» متأثر است و گاهی از جنبه ابزاری آن نسبت به «اهداف پسینی»، که این موضوع می‌تواند معیار و تضمین پویایی سیستم باشد و زمینه ساز تکامل شود.

۳. **امکانات و محدودیت‌ها:** در یک سیستم به هر جزء آن می‌توان هم از زاویه «امکان» نگریست و هم از زاویه «محدودیت»، به طوری که به لحاظ فلسفی شاید بتوان گفت که همواره «امکان» و «محدودیت» همراه جدانشدنی از یکدیگرند. مهم آن است که نحوه تقابل و برخورد با آن‌ها چگونه باشد؛ به عبارت دیگر در تقابل و رابطه‌ای که ما انسان‌ها با آن‌ها ایجاد می‌کنیم چه نسبت و تناسبی را رعایت می‌کنیم و نحوه بهره‌برداری از این امکانات و فرصت‌ها یا نحوه برخورد و مدارای ما با «محدودیت‌ها» چگونه است؟ اصولاً چگونه می‌توانیم از دو عنصر «امکان» و «محدودیت» در راستای تحقق اهداف یاری بگیریم و مسیر تکامل و تعالی را طی کنیم.

۴. **نیازها و انتظارات:** نیازها و انتظارات دو عنصر اساسی در شناخت معیار نسبی است که توجه درست به آن و پاسخ‌گویی معقول و منطقی به آن‌ها می‌تواند زمینه‌های پایداری، پویایی و رشد یک سیستم را تضمین کند؛ بنابراین یک الگوی مطلوب باید به بهترین شکل همواره متکفل ایجاد توازن باشد که زمینه پاسخ‌گویی معقول و منطقی را به کل نیازها و انتظارات (اعم از مادی و معنوی) فراهم کند. بدیهی است که تغایر، تغییر و تحول در این نیازهای بالفعل و انتظارات بالقوه، همگی به طور مستقیم در کیفیت سیستم مؤثر خواهند بود. البته می‌توان معیارهای دیگری را در «نسبیت شرایط» مؤثر دانست که ما به ذکر این موارد بسنده می‌کنیم.

آنچه در اینجا از نظر ما اهمیت دارد، آن است که موضوع «نسبیت شرایط» به طور